

هزارتوی گزینه‌های بی‌پایان

www.ketab.ir



سرشناسه:

جمالی، لوا، ۱۳۶۵-

عنوان و نام پدیدآور:

هزارتوی گزینه‌های بی‌پایان (صلح و زندگی در قاف دوربین): داستان‌های کوتاه از زبان دوربین/لوا جمالی

مشخصات نشر:

تهران: آگرین کتاب، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری:

۱۵۲ ص.

شابک:

۹۷۸-۶۲۲-۷۳۷۴-۱۰۰۰

وضعیت فهرست‌نویسی:

فیبا

عنوان دیگر:

داستان‌های کوتاه از زبان دوربین.

موضوع:

داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴

Short stories, Persian -- 20th century

رده‌بندی کنگره:

PIR۸۳۳۹

رده‌بندی دیویی:

۸۴۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی:

۸۷۰۸۷۴۷

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



انتشارات آگرین کتاب

تهران، یوسف‌آباد، خیابان جهان‌آراء، کوچه‌ی سی و نهم، پلاک ۳۸، واحد ۱



info@agrinketab.ir



www.agrinketab.ir



https://t.me/agrinketab



۸۸۰۰۷۶۴۷ - ۰۹۳۶۳۴۷۷۱۱۱

هزارتوی گزینه‌های بی‌پایان (صلح و زندگی در قاف دوربین) داستان‌های کوتاه از زبان دوربین

مؤلف: لوا جمالی

ناشر: انتشارات آگرین کتاب

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۷۴-۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه - ۵۵۰۰۰ تومان

کلیه‌ی حقوق این اثر محفوظ است © Printed in Iran

فهرست مطالب

۹	 سخن ناشر
۱۳	 مقدمه
۱۶	 من با دوربین!

دوربین در راه! ۲۱

۲۳	 فروشنده‌ی دوره‌گرد!
۲۶	 ده‌ی روزنامه‌فروشی!
۲۸	 تاریخ!
۳۰	 صف!
۳۲	 ساعت!
۳۵	 آینده، گذشته، حال!
۳۷	 به دنبال زندگی در...
۳۹	 شهر خالی!
۴۱	 دریا!
۴۳	 دوربین با خودش!
۴۵	 دادگاه!
۴۸	 از پنجره نگاه می‌کنم!
۵۰	 جنوب و شمال!
۵۲	 کودک!
۵۴	 اسباب‌بازی!
۵۶	 آئینه!
۵۸	 مجلس‌های زنانه در کوچه!

۶۰	خانه به خانه!
۶۲	چهره‌های غمگین!
۶۴	دوربین و کتاب!
۶۶	رختخواب!
۶۸	پول!
۷۱	دیوار خاموشان!
۷۳	ساختمان در حال ساخت!
۷۵	ماشین اوراق!
۷۷	مردم در برشی کوتاه از زمان!
۷۹	حالات عکس‌ها!
۸۱	مترسک!
۸۳	پرنده!
۸۵	ماه!
۸۷	دیوانه!
۹۰	فالگیر!
۹۳	کرونا!
۹۵	دو چرخه‌سواران!
۹۷	دیوار مهربانی!
۹۹	ماشین عروس!
۱۰۲	بازدار!

۱۰۵ سفرزندگی

۱۰۷	نمایشگاه عکس
۱۴۹	هزارتوی گزینه‌های بی پایان

سخن‌نشر

در میان انواع سبک‌های داستان‌نویسی، داستان‌های کوتاه به دلیل پوشش طیف گسترده‌ای از مخاطبان در اقشار مختلف اجتماعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از لحاظ حرفه‌ای، داستان کوتاه محدود به روایتی کوتاه و شخصیت‌های اندکی است و نویسنده در پی آن است تا پیام خاصی را در قالب قصه‌ای واقعی یا تخیلی به خواننده انتقال دهد. داستان‌های کوتاه در مقایسه با داستان‌های بلند و روایت‌های زمان، غالباً تأثیر واحدی را به مخاطب القامی کنند.

فشرده‌گی، سادگی، ساختار مندی، صراحت و غایت‌مندی، از مزایای ویژه‌ی داستان‌های کوتاه است؛ زیرا نویسنده با قراردادن رویداد مهمی در نقطه‌ی ثقل داستان، شخصیت‌های حقیقی یا تخیلی را متناسب با ریشه‌های ایجابی، فرآیندها و پیامدها پرورش می‌دهد. شخصیت‌های فرعی داستان نیز معمولاً حول یک شخصیت اصلی که بیشترین نسبت را با آن رویداد مهم دارد، معرفی و پرداخت می‌شوند. گزاره‌های روایی و گفتگوی بین شخصیت‌ها افزون بر موجب‌بودن، معنا دار و هدفمند هستند.

داستان‌های کوتاه به دلیل نمایش بُرش‌های متعددی از ابعاد مختلف زندگی گروه‌های متکثر اجتماعی، دامنه‌ی وسیع‌تری از مخاطبان را به خود جذب می‌کنند. از سوی دیگر، چنین داستان‌هایی در عصر صنعت و ماشین و کمبود زمان فراغت شهروندان، سازگاری بیشتری با ذائقه و محدودیت‌های زمانی مخاطبان دارند. از این رو، این سبک از داستان، در میان انواع رسانه‌های فرهنگ‌ساز از سهم بسزایی برخوردار است.

نگاهی به هندسه‌ی ادبی و مختصات هنری مجموعه داستان‌های این مجموعه، نشان می‌دهد که داستان‌های کوتاه اثر حاضر از ژانرهای مرسوم عاشقانه، معمایی، ماجراجویانه، وحشت، فانتزی، طنز، علمی، تاریخی، زندگی‌نامه، شعر و... بسیار



فاصله دارند و ساختار اصلی هر داستان، در واقع سفرنامه‌ی کوتاهی از یک دوربین خیالی است؛ دوربینی که حسب کارکرد ذاتی، نماهایی را از گوشه‌های مختلف زندگی شکار می‌کند و در حافظه‌ی تاریخی خود برای همیشه ماندگار می‌سازد. دوربینی که قهرمان اصلی داستان‌هاست و نویسنده، روایتگر سیر و سیاحت‌های آن است.

از میان اقسام سفرنامه‌های حقیقی (روایتی از مشاهدات نویسنده در سفری واقعی)، سفرنامه‌های تمثیلی (روایتی از سفر عارفانه و سیر و سلوک نویسنده در عالم معنا) و سفرنامه‌های خیالی (روایتی از سفر ذهنی و تخیلی نویسنده در میان انباشته‌های پیشینی حافظه‌ی خود)، این اثر را باید در قسم سوم جانمایی کرد. داستان‌های کوتاهی با قالب سفرهای خیالی دور و نزدیک و روایت‌هایی از گشت‌وگذار و سرک کشیدن‌های گاه‌وبیگاه یک دوربین، شاکله‌ی اصلی مجموعه‌ی حاضر را بر می‌سازد. دوربینی که پیام‌های سیاسی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و... را از درون نماهای مختلف به بیرون می‌کشد.

در سیر و سیاحت‌های درون‌شهری و برون‌شهری این دوربین خیالی، خبری از اصطلاحات حرفه‌ای عکاسی نیست. در متن داستان‌ها اصطلاحاتی مانند دیافراگم، شاتر سرعت، فوکوس، بوکه، عمق میدان، نوردهی، فلاش، پیکسل، هیستوگرام، ایزو، نویز، تایم‌لپس، ویو فایندر و... غایب‌اند. همچنین از اسمک‌های مختلف هنر عکاسی خبری، وقایع خیابانی، مناظر طبیعی، مدلینگ و معماری نشانی نیست؛ اما دوربین کنجکاو و پرتحرک این داستان‌ها از هر نمایی که برداشت می‌کند، دغدغه‌ای مفهومی و انتزاعی را نمایان می‌سازد.

نویسنده‌ی اثر حاضر به جای بازی با واژگان غامض و به کارگیری ساخت‌های ادبی پیچیده، ساده‌ترین و مرسوم‌ترین واژگان را در کوتاه‌ترین عبارت‌ها برای القای پیام اصلی داستان به کار می‌گیرد. او با بزرگنمایی هنرمندانه‌ی برش‌هایی از رویدادهای بزرگ و کوچک در زندگی متعارف مردم عادی یا با شکار تصاویری از اشیای پیرامونی و معناکاوی پلان‌ها، هدف غایی خود را دنبال می‌کند.

هدف او می‌تواند از یک سو نمایشی از کاستی‌ها، کژی‌ها، غفلت‌ها، تقابل‌ها، سوء تفاهم‌ها، شکاف‌ها، آسیب‌های اجتماعی، دردها، حقارت‌ها، افسردگی‌ها، اضطراب‌ها، ترس‌ها، دروغ‌ها؛ و از سوی دیگر توصیه‌های اخلاقی، آزادی، عدالت، حقوق شهروندی، مطالبات اجتماعی، عشق و مهرورزی، زیباشناسی، همزیستی



مسالمت‌آمیز و... باشد. منظور غایی از نمایش همه‌ی این مفاهیم، آن است که آدمیان غوطه‌ور در هیاهوی پرتلاطم زندگی روزمره، نسبت به معانی و پیام‌های مغفول‌مانده‌ی زندگی هوشیار گردند.

نویسنده‌ی جوان این اثر، نماینده‌ی نسل جدیدی از جامعه‌ی ایران است که از نگاه دوربین، بیزاری خود را از مفاهیم پرتنش چون جنگ، دشمنی، نزاع، مبارزه، مقاومت، بدبینی، ناامیدی، خستگی، تکرار، شرم، بی‌مهری، فقر، بی‌عدالتی و... به رخ می‌کشد. روایت‌های دوربین خیالی او، پیام نسلی را به گوش می‌رساند که خود را در گفتمانی مغلوب محصور می‌بیند؛ نسلی که خود آگاهی‌اش تا سطح کارکرد یک دوربین صامت تنزل می‌یابد؛ اما می‌بیند، می‌شنود، می‌فهمد، می‌اندیشد، می‌کاود، می‌ایستد، و نجیبانه خاموش می‌ماند تا جامعه او را ببیند و بشنود و سهم شایسته‌اش را به او اعطا نماید.

بسامد کلیدواژه‌های شکوانه‌آمیز و مکدّری که در هر داستان تکرار می‌شوند، نشان از ناخرسندی نسل جدید به جامعه‌ی پیرامونی دارد. نویسنده در واقع از روزنه‌ی دوربین به نیابت از نسلی سخن می‌گوید که کمتر دیده و شنیده شده است. زوایای دوربین و نماهای ثبت‌شده در آن، ساحت‌های مختلف زندگی را به نقد می‌کشد و روایتگر داستان به‌عنوان ناظری بی‌طرف، ناموزونی‌ها و بی‌نواکی‌های جامعه و روندهای زندگی را در مقابل چشمان مخاطب به نمایش می‌گذارد.

در روایت‌های او، زیبایی‌ها، عشق‌ورزی‌ها، مهرورزی‌ها، فداکاری‌ها، ساختن‌ها، پیشرفت‌ها، باهم‌بودن‌ها، هم‌نوایی‌ها، هم‌سازی‌ها، شورواشتیاق زندگی، دست‌افشانی، شوخی‌ها و طنازی‌ها، عدالت و آزادی، پرسش و پاسخ، حق‌شهروندی و خیلی چیزهای دیگر اگرچه غایب نیستند، اما همانند آینه‌ای صادق نشان می‌دهد که این مفاهیم حضور پُررنگی نیز ندارند.

صاحب اثر از دریچه‌ی دوربین صامت خود، با نهایت سادگی و صراحت از زبان نسلی سخن می‌گوید که برای رسیدن به رؤیاها و مطالبات خود به جای مهاجرت یا خیابان، خویشن‌داری فکورانه و نقادانه را بر می‌گزیند تا شاید جامعه نفیر درگلوخفته‌ی او را بشوند و برای ایفاگری نقش‌های اجتماعی او میدانی بگشاید؛ نسلی از گفتمان مغلوب که برای بودن، شدن و جولان‌گری، مترصد فرصت‌هایی برای شکوفایی استعدادهاست.